

بررسی فرایند تکرار کامل در زبان فارسی: پژوهشی براساس نظریه تکرار صرفی

محمد دبیرمقدم^{۱*}، سیما ملکی^۲

۱. استاد زبان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

تکرار فرایندی صرفی است که همواره یکی از مسائل بحث‌برانگیز زبان‌شناسی بوده است و مطالعات مختلف در زبان‌های گوناگون و رویکردهای متفاوتی را در این حوزه در پی داشته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و سعی بر آن بوده است که فرایند تکرار کامل را در زبان فارسی از دیدگاه نظریه تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) بررسی کند و بیازماید که از دو رویکرد کپی‌سازی واجی^۱ و تکرار صرفی کدامیک کارآمدتر است؟ و اینکه شکل‌گیری فرایند تکرار کامل در چارچوب نظریه تکرار صرفی قابل تبیین است یا خیر؟ نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که می‌توان انواع فرایند تکرار کامل در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص آنها و معنایی که از آنها بر-داشت می‌شود در نظریه تکرار صرفی تبیین و توجیه کرد. این در حالی است که فقط تکرار جزئی^۲ پیشوندی و پسوندی را می‌توان با استفاده از رویکرد کپی‌سازی واجی تحلیل کرد. با توجه به تحلیل داده‌ها، نظریه تکرار صرفی کارآمدتر از نظریه کپی‌سازی واجی است.

کلیدواژه‌ها: تکرار کامل، نظریه تکرار صرفی، نظریه کپی‌سازی واجی، تکرار جزئی، زبان فارسی



۱. مقدمه

تکرار نوعی فرایند واژه‌سازی است که در آن بخشی از واژه و یا کل آن تکرار می‌شود (اینکلاس ۲۰۰۶: ۴۱۷). این فرایند، در بیشتر زبان‌های دنیا یکی از رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی محسوب می‌شود و یکی از مسائل بحث‌برانگیز زبان‌شناسی بوده است که طی سال‌های اخیر توجه بسیاری از زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. از طرفی شباهت آوایی وند مکرر با پایه آن را در حیطه مطالعات واج‌شناسی قرار می‌دهد. از طرف دیگر نقش صرفی آن در واژه‌سازی آن را نمونه‌ای از فرایندهای صرفی قلمداد می‌کند (سلندری‌رابری ۱۳۹۵: ۲). تکرار از حیث ساخت به دو نوع تکرار کامل^۱ و تکرار جزئی تقسیم می‌شود. در تکرار کامل، یک سازه (واژه یا گروه نحوی) تکرار می‌شود؛ اما در تکرار جزئی، قسمتی از کلمه پایه تکرار می‌شود (شقاقی ۱۳۷۹: ۵۲۵ و ۵۲۸).

پژوهش حاضر صرفاً به فرایند تکرار کامل در زبان فارسی در سه زیر مقوله تکرار کامل نافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی بر اساس طبقه‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) در چارچوب نظریه تکرار صرفی می‌پردازد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی ارائه می‌گردد. پس از توصیف و معرفی نظریه تکرار صرفی که توسط اینکلاس و زول^۲ (۲۰۰۵) مطرح شده است، داده‌هایی از زبان فارسی و نحوه شکل‌گیری آنها در چارچوب نظریه تکرار صرفی توصیف و تحلیل می‌شود. آنچه در این پژوهش به عنوان سؤال مطرح است این است: که از دو رویکرد کپی‌سازی واجی و تکرار صرفی کدامیک کارآمدتر است؟ و فرایند تکرار کامل تا چه میزان می‌تواند بر اساس الگوهای نظریه تکرار صرفی قابل تبیین باشد؟ براساس بررسی‌های پیشین، فرض تحقیق بر این است که فرایند تکرار کامل را بتوان در چارچوب نظریه تکرار صرفی تحلیل کرد. داده‌های این پژوهش از گفتگوی روزمره مردم و آثار موجود در حوزه صرف زبان فارسی به‌ویژه شقاقی (۱۳۷۹) و حیدرپور (۱۳۹۰) استخراج شده و به سه گروه تکرار کامل نافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی دسته‌بندی شدند.

۲. پیشینه مطالعات

اغلب دستورنویسان ایرانی از جمله همایون فرخ (۱۳۳۹)، مشکور (۱۳۴۹)، نوبهار (۱۳۷۲)، انوری و گیوی (۱۳۷۰) در مطالعه زبان فارسی فرایند تکرار را در قالب نوعی واژه مرکب در مقوله اسم، صفت، قید، صوت و اسم صوت بررسی کرده‌اند.

به اعتقاد همایون فرخ (۱۳۳۹) صفات مرکب دوگانه یا تکراری صفاتی هستند که از تکرار دو اسم عام یا سازه دیگر که پشت سر هم تکرار می‌شوند ساخته می‌شود مانند خم‌خم، پیچ‌پیچ؛ گاهی بین آنها «به»، «در» و یا «الف» الحاق می‌آورند مانند پیکربه‌پیکر، سال‌به‌سال، پیچ‌درپیچ، تودرتو، رنگارنگ، گوناگون و آنها را صفت تاکیدی می‌نامند (همان: ۴۱۹).

کلباسی (۱۳۷۱) در کتاب *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، دو نوع ساخت مکرر و اتباع را مورد بررسی قرار داده است. وی (ص: ۶۶) در تعریف مکرر می‌گوید: «مکرر» به گروهی از کلمات مرکب اطلاق می‌شود که در آنها کلمه‌ای همراه با عنصر پیونددهنده «و» /O/ یا بدون آن عیناً تکرار می‌گردد. او ضمن ارائه مثال‌هایی اتباع را به انواعی تقسیم کرده است. شقاقی (۱۳۷۹: ۵۲۵) تکرار در زبان فارسی را از حیث کامل و ناقص بودن بررسی کرده است و در مورد ویژگی‌های معنایی این ساخت اشاره می‌کند که ساخت تکرار در فارسی برای صورت‌بندی مفهیمی چون تأکید، افزایش، شدت، تداوم، انبوهی، بی‌شماری و جنس و قسم به-کار می‌رود و گاهی علاوه بر معنی پایه، مقوله را نیز تغییر می‌دهد. شقاقی و حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰) فرایند تکرار را بر پایه رویکرد نظریه بهینگی در واژه‌های مکرر فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که با مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی مطرح در نظریه بهینگی می‌توان ساخت انواع فرایند تکرار در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص آنها و معنایی که از آنها برداشت می‌شود تبیین کرد. خان‌جان و علی‌نژاد (۱۳۸۹) به تحلیل ویژگی‌های نحوی و معنایی فرایند مضاعف‌سازی کامل در زبان فارسی براساس نظریه دوگان‌سازی صرفی پرداخته‌اند. ایشان در توصیف و تبیین مضاعف‌سازی ساخت‌واژی، تحلیل خود را صرفاً به سطح واژه منحصر نمی‌کنند و واحدهای زبانی پیچیده‌تر را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند. آنها سرانجام به این نتیجه می‌رسند که برخی از الگوهای این فرایند از حیث ویژگی‌های معنایی، روش تحلیلی الگوی دوگان‌سازی صرفی را به چالش می‌کشند. غفاری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرایند تکرار در زبان ترکی را مورد بررسی قرار داده است. وی



انواع فرایند تکرار را با الگوی پیشنهادی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) بر داده‌های زبان ترکی اعمال کرده است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که فرایند تکرار در زبان ترکی یک فرایند معنایی است. غفاری (۱۳۹۰) رویکرد صرفی را به رویکرد واجی ترجیح داده است. سلندری رابری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی "تکرار به مثابه دوگان‌سازی صرفی: شواهدی از زبان فارسی" پرداخته‌اند. ایشان در این پژوهش با در نظر گرفتن دو دسته شواهد معنایی و واژآرایی، داده‌هایی از زبان فارسی را در چارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که امکان توصیف شکل‌گیری تکرارهای زبان فارسی در چارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی هست. امینی (۱۳۹۳) به دوگان‌سازی در زبان ترکی، به‌ویژه گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص پرداخته است. وی در ارتباط با پرسش نخست پژوهش، به این نتیجه رسیده است که دوگان‌سازی کامل در زبان ترکی و آن دوگان‌سازی که در دستور سنتی زبان فارسی به آن اتباع گفته می‌شود، عملکردی مشابه دارند. وی همچنین فرمول‌هایی برای تبیین فرایند دوگان‌سازی ناقص ارائه کرده است. گلفام و قمشه‌ای (۱۳۹۱) ویژگی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌های زبان فارسی را در چارچوب نظریه تصویرگونگی بررسی کرده‌اند و به طبقه‌بندی آنها بر اساس ویژگی معنایی‌شان و نشان دادن همگونی و مشابهت‌های معنایی آن‌ها با سایر زبان‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها همچنین از ارتباط میان دوگان‌ساخت‌ها با معانی و مفاهیم آن در زبان‌های مختلف بحث کرده‌اند. غنی‌آبادی (۲۰۰۵) فرایند تکرار بازتابی^۵ (پژواکی) را در زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی تحلیل کرده است. وی به نمونه‌هایی مانند کتاب-متاب و میوه‌پیوه اشاره می‌کند که در آنها واحدهای واجی /m/ و /p/ جانشین همخوان آغازین در واژه مکرر می‌شود و به این ترتیب همسانی واجی به هم می‌خورد. غنی‌آبادی و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی سه نوع متفاوت از فرایند تکرار در زبان فارسی (تکرار بازتابی، تکرار تأکیدی و تکرار مبین بی‌تفاوتی) استدلال می‌کنند که تمام این الگوها مؤید نظریه دوگان‌سازی صرفی است.

۳. مبانی نظری

در این بخش از پژوهش به معرفی مباحث نظری مقاله می‌پردازیم.

۳-۱. رویکردهای مطرح در فرایند تکرار

دو رویکرد نسبت به مقوله تکرار وجود دارد: رویکرد کپی‌سازی واجی و رویکرد تکرار صرفی.^۶

۳-۱-۱. رویکرد کپی‌سازی واجی

این رویکرد که از طرف مارانتز^۷ (۱۹۸۲) مطرح گردیده، فرایندی واجی است که در آن، واحدهای واجی یا سازه‌های وزنی تکرار می‌شوند و هیچ هویت صرفی و معنایی مستقلی برای قسمت تکرار شده قائل نیست. این رویکرد معتقد است که فرایند تکرار، چه از نوع جزئی و چه از نوع کامل مشتمل بر وندافزایی یک تکواژ واجی است. در واقع جزء مکرر، وندی است که ویژگی‌های واحدهای واجی پایه بر روی آن کپی می‌شود. به نظر مارانتز، در تکرار کامل با یک تکواژ آوایی فاقد معنی مواجه هستیم. در تکرار جزئی نیز، جزء مکرر یک تکواژ تهی^۸ از معنی است. یعنی در واقع، کپی تعدادی از واکه‌ها و همخوان‌های ریشه است. تکواژ تهی از نظر معنایی می‌تواند مواردی مانند تغییر یا افزایش همخوان یا واکه، تعداد هجا و پیشوند یا پسوند نسبت به پایه ساخت تکرار باشد.

تکرار از دیدگاه کپی‌سازی واجی با یک جزء مکرر شکل می‌گیرد. این جزء مکرر، مشخصات واجی عنصر مجاورش را کپی می‌کند. یکی از نظریه‌های موجود در کپی‌سازی واجی، نظریه مطابقت پایه و جزء مکرر^۹ است. این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد زیرا به نظر مکاری و پرینس^{۱۰} (۱۹۹۵) تکرار در عناصری مانند مورا،^{۱۱} هجا و گام انجام می‌گیرد (اینکلاس و زول ۲۰۰۵: ۲-۴).

متیوس^{۱۲} (۱۹۹۱: ۱۳۱-۱۳۳) دو ویژگی برای فرایند وندافزایی برمی‌شمرد (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۲):

۱- صورت حاصل از فرایند وندافزایی متشکل از یک پایه و تکواژی است که به آن افزوده شده است.

۲- وند یا جزء افزوده شده دارای صورت ثابتی است و در تمامی موارد هنگامی که به پایه‌های مجاز یا محتمل متصل شود صورت نامتغیری خواهد داشت.

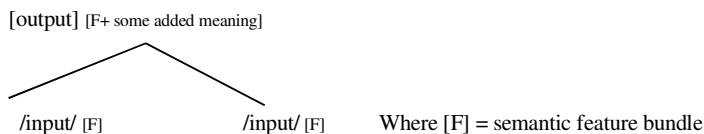


وی به نوع دیگری از واژه‌سازی در برخی از زبان‌ها اشاره می‌کند که بسیار شبیه وندافزایی است اما، با وندافزایی‌های معمول به‌ویژه با ویژگی دومی که متیوس برای وندافزایی عنوان کرد، مطابقت نمی‌کند. زبان‌شناسان از این فرایند به عنوان تکرار یاد می‌کنند. به اعتقاد اسپنسر^{۱۳} (۱۹۹۱: ۱۳ و ۱۵۱) در فرایند تکرار عنصری به پایه افزوده می‌شود که پایه در تعیین شکل و صورت این عنصر افزوده‌شده نقش دارد. در این فرایند، تمام یا بخشی از پایه در سمت چپ یا راست و یا گاهی در وسط پایه تکرار می‌شود. از این‌رو، در زبان‌های گوناگون فرایند تکرار کامل یا تکرار جزئی پیشوندی و پسوندی و میانی دیده می‌شود که در آن جزء مکرر شکل ثابتی ندارد و کپی بخشی از پایه‌ای است که به آن متصل شده است. زبان‌شناسان از مطالعه زبان‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند تکرار علاوه بر اینکه انواع گوناگونی دارد برای بیان مفاهیم مختلف نیز به کار می‌رود. این فرایند می‌تواند کل یک واژه، تکواژ، یک هجا یا توالی هجاها و یا زنجیره‌ای از چند همخوان و واکه را تکرار کند و در مجموع معنایی را به پایه می‌افزاید.

۳-۱-۲. رویکرد تکرار صرفی

این رویکرد توسط اینکلاس و زول (۲۰۰۵) معرفی شده است که در آن با دو مجموعه از ویژگی‌های نحوی-معنایی انتزاعی سر و کار داریم (همان: ۲). در این فرایند همسانی معنایی مهم‌تر از همسانی واجی است. از این‌رو، رویکرد مذکور امکان تحلیل الگوهای تکرار بیشتری را فراهم می‌آورد.

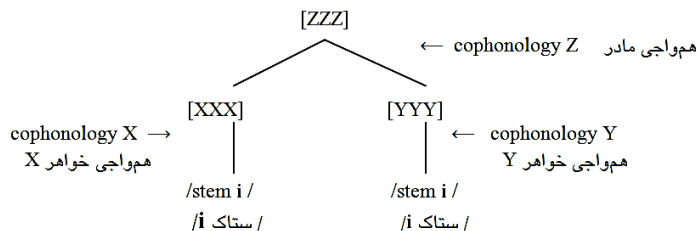
الگوی ساخت تکرار در نظریه تکرار صرفی به شکل نمودار (۱) زیر است:



نمودار ۱. الگوی ساختاری نظریه تکرار صرفی (اینکلاس و زول ۲۰۰۵: ۷)

در الگوی مذکور در نمودار ۱، درون‌دادها که مشخصه‌های صرفی-معنایی همسانی دارند با هم ترکیب می‌شوند تا مؤلفه معنایی بزرگتری را برای برون‌داد به دست دهند، لیکن ضرورتی برای شباهت واجی این ساختها وجود ندارد. بدین ترتیب الگویی که اینکلاس و زول (۲۰۰۵) در نظریه تکرار صرفی ارائه می‌دهند عبارت است از: «مجموعه مشخصه‌های معنایی درون‌داد به اضافه نوعی افزوده معنایی» (همان: ۶-۷).

اینکلاس و زول (۲۰۰۵: ۶-۷ و ۱۹) معتقداند هریک از عناصر درون‌داد و برون‌داد می‌توانند تغییر واجی مخصوص به خود را داشته باشند. تغییرات واجی هریک از اجزای این عناصر را در واج‌شناسی صرف‌بنیاد،^{۱۴} هم‌واجی^{۱۵} می‌نامند. در واقع تعامل این سه عنصر هم‌واجی است که تغییرات واجی برون‌داد را رقم می‌زند. الگوی واجی تکرار، در نظریه تکرار صرفی (اینکلاس و زول ۲۰۰۵) در نمودار (۲) ارائه شده است:



نمودار ۲. الگوی واجی تکرار در نظریه تکرار صرفی (اینکلاس و زول، ۲۰۰۵: ۱۹)

در این الگو ستاک‌های 'i'، یعنی درون‌دادهایی که همسانی معنایی دارند در انگاره واجی تکرار، تحت عملکرد هم‌واجی‌ها قرار می‌گیرند و به صورت [XXX] و [YYY] ظاهر می‌شوند. با در کنار هم قرار گرفتن درون‌دادها، برون‌داد یعنی [ZZZ] شکل می‌گیرد. بنابراین، در برون‌داد نیز احتمال اعمال هم‌واجی وجود دارد.

اینکلاس و زول (۲۰۰۵: ۱۹۷) چهار معیار برای طبقه‌بندی نظریه کپی‌سازی واجی و نظریه تکرار صرفی معرفی کرده‌اند:

۱- در کپی‌سازی واجی هدف واج‌شناختی است در حالی که در نظریه تکرار صرفی هدف



ساخت‌واژی است.

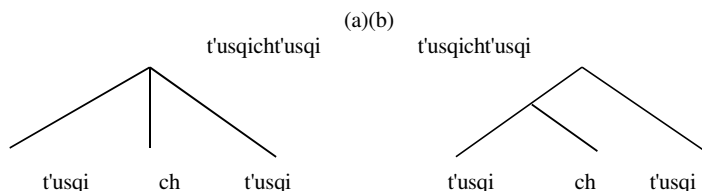
- ۲- نظریهٔ کپی‌سازی واجی از نظر واجی، مجاورمدار^{۱۶} است، یعنی درون‌داده‌ها همجوار و همگون‌اند. در حالی که این حالت در مورد نظریهٔ تکرار صرفی صدق نمی‌کند.
- ۳- رویکرد کپی‌سازی واجی، بر واحدهای واجی^{۱۷} عمل می‌کند ولی تکرار صرفی بر سازه‌های صرفی عمل می‌کند.
- ۴- در نظریهٔ کپی‌سازی واجی همانندی واجی، ولی در رویکرد تکرار صرفی، همانندی معنایی مطرح است.

۲-۳. تکواژ تهی از معنی در تکرار

گاهی در برخی از ساخت‌های مکرر، در بعضی از زبان‌ها، تکواژی در ساخت مشاهده می‌شود که معمولاً یا نقش پیونددهنده^{۱۸} در میان دو قسمت تکرار شده را دارد یا به دلیل رعایت ضرورت واجی موجود در ساخت تکرار که خاص آن زبان است ظاهر می‌شود. اینکلاس و زول (۲۰۰۵: ۳۷) به نقل از هاردمن^{۱۹} (۲۰۰۰) نمونه‌ای از تکرار کامل در زبان جاکورا^{۲۰} را آورده‌اند:

‘سبب گرد و غبار زیاد شدن’
l.t'usqi- ch- t'usqi

نمونهٔ مذکور به شکل نمودار (۳) زیر نشان داده می‌شود:



نمودار ۳. تکواژ تهی از معنی در نظریهٔ تکرار صرفی (اینکلاس و زول، ۲۰۰۵: ۳۷)

در نمودار (۳) عناصر تکرار به همراه رابط تهی از معنی مشاهده می‌شود. چنانچه این تکواژ رابط^{۲۱} با یکی از عناصر تکرار، یک سازهٔ صرفی بسازد آنگاه موجب نقض همسانی واجی میان

درون‌دادها می‌شود مانند نمودار (b) که فقط از دید نظریه تکرار صرفی قابل توجیه است. ولی اگر این تکواژ تهی از معنی به منزله خواهر سوم قلمداد شود آنگاه دیگر همسانی واجی به هم نمی‌خورد مانند نمودار (a).

۳-۳. بازنوشت موزون

در نظریه تکرار صرفی، ناهمگونی یکی از عناصر در تکرار رایج است. اینکلاس (۲۰۰۸) این فرایند را تکرار پژواکی می‌نامند. این نوع تکرار را که الدرتی و همکاران^{۲۱} (۱۹۹۹) و مکاریتی و پریس (۱۹۸۶) از آن به نام بازنوشت موزون^{۲۲} یاد می‌کنند به معنی 'x و نظایر آن' یا 'موارد مشابه' است. آنها این فرایند را نوعی وندافزایی قلمداد می‌کنند. اینکلاس و زول معتقدند این ساخت کاملاً آسیایی است و در زبان‌های فارسی، ترکی، ارمنی و ابخازی دیده می‌شود. آنچه از دیدگاه آنها وندافزایی تلقی می‌شود، در نظریه تکرار صرفی مشابه و معادل تکواژ تهی از معنی می‌باشد (اینکلاس و زول ۲۰۰۵: ۴۳). مانند جانشینی 'm' در زبان ترکی: kitab-mitab 'کتاب و نظایر آن' در ارمنی: pətuḅ-mətuḅ 'میوه و مانند آن' (ووکس^{۲۳}، ۱۹۹۸: ۲۴۶). در این ساخت‌ها هجاهای درون‌داد و برون‌داد برابر است.

۳-۴. جایگزینی لایه‌ای

در جایگزینی لایه‌ای^{۲۴} تعدادی مشخصات ویژه مانند واکه‌های پایه جایگزین واکه دیگر می‌شود. به عنوان نمونه در زبان امله^{۲۵} واکه‌های /u/ جانشین واکه /ə/ در پایه می‌شوند (رابرتز^{۲۶}، ۱۹۹۱: ۱۳۵). مانند:

'از هم جدا کردن' bala-bulu-do → 'گسستن' 2.bala-do

همان‌طور که موضوع اصلی نظریه تکرار صرفی همسانی معنایی است، در این نمونه‌ها نیز تغییر واجی، هیچ تغییری در معنی به وجود نمی‌آورد.



۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، انواع فرایند تکرار کامل در زبان فارسی، از دید نظریه تکرار صرفی تجزیه و تحلیل می‌شود و از هر یک از انواع تکرار کامل یک یا دو مورد به عنوان نمونه مطابق الگو-های ساختاری اینکلاس و زول (۲۰۰۵) ارائه می‌شود. اینک به انواع فرایند تکرار کامل بر مبنای نظریه تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) بر اساس دسته‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) می‌پردازیم:

۴-۱. انواع فرایند تکرار کامل بر مبنای نظریه تکرار صرفی

۴-۱-۱. فرایند تکرار کامل

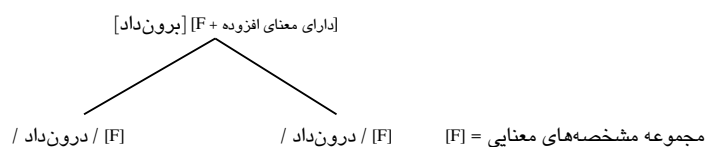
این فرایند را می‌توان نوعی ساخت ترکیبی تلقی کرد و سازه‌ای که تحت عملکرد فرایند تکرار کامل قرار می‌گیرد به انواع نافزوده، افزوده و پژواکی تقسیم می‌شود:

۴-۱-۱-۱. فرایند تکرار کامل نافزوده

تکرار کامل نافزوده در همه زبان‌ها الگوی بی‌نشان به شمار می‌رود. در این الگو رابطه همسانی واجی کامل بین عناصر تکرار برقرار است (خان‌جان و علی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در زبان فارسی مجموعه واژه‌هایی که با فرایند تکرار کامل نافزوده ساخته می‌شوند به مقوله‌های متفاوتی از قبیل اسم، صفت، قید، صوت، اسم صوت/نام‌آوا، ستاک حال فعل، عدد و به ساخت‌های نحوی مانند گروه و جمله تعلق دارند. به طور کلی این فرایند مفاهیم شدت، انبوهی، تداوم، تأکید، کثرت، توزیع، تدریج، بیان حالت، بی‌نظمی و آشفتگی و غیره را به پایه می‌افزاید مانند: بزَن‌بزن، بچاپ-بچاپ، بگیریگیری، بپریپر (اسم): قیمه‌قیمه، ریش‌ریش، لَاح‌لاخ (صفت): آهسته‌آهسته، لرزان‌لرزان، لَمحه‌لَمحه، ذره‌ذره، کیسه‌کیسه، پرروپرو، بریده‌بریده، کورمال‌کورمال (قید) های‌های، به‌به، آخ‌آخ، وای‌وای، زه‌زه، کیش‌کیش (صوت) شُرْشُر، تُلْب‌تُلْب، پِت‌پِت، وزون، توتق، فش‌فش، چاوچاو، جیرجیر، قارقار (اسم صوت) چَرچَر، نال‌نال، کاوکاو (ستاک حال فعل) هزارهزار، یک-یک، دودو، ده‌ده‌ده، سه‌تسه‌تسه، یکان‌یکان (عدد) پاورچین‌پاورچین، نوک‌پانوک‌پا (گروه) منم‌منم، چه‌کنم‌چه‌کنم (جمله) (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۵).

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری ذکر شد، نظریه تکرار صرفی، الگوی بنیادین زیر را برای ساختار تکرار به شکل نمودار (۴) نمایش می‌دهد. در این الگو، دو ساخت خواهر که مشخصه‌های صرفی-معنایی مشابهی دارند باهم ترکیب می‌شوند تا مؤلفه معنایی بزرگتری را

برای عنصر مادر به دست دهند؛ لیکن ضرورتی برای شباهت واجی این ساختها وجود ندارد (اینکلاس و زول، ۲۰۰۵، ص ۷).



نمودار ۴. الگوی ساخت تکرار در نظریه تکرار صرفی

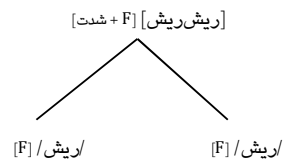
در این الگوی تکرار به نمونه زیر توجه کنید:

اسم + اسم ← صفت

قیمه‌قیمه، ریش‌ریش، لاخ‌لاخ

نمونه‌ای از انگاره ساختاری این فرایند را که برون‌داد آن صفت است می‌توان به صورت

زیر ترسیم کرد:



نمودار ۵. انگاره ساختاری تکرار صفت

در این الگوی تکرار هیچ فرایند آوایی/ واجی در پایه صورت نمی‌گیرد؛ اما گاهی در واژه‌های مکرر حاصل به لحاظ معنایی و مقوله‌ای تغییراتی را مشاهده می‌کنیم. در بعضی موارد نیز معنای واژه مکرر، ربطی به معنای عناصر تکرار ندارد و معنایی کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده است. به عنوان مثال، در واژه مکرر *ریش‌ریش* مقوله پایه از اسم به صفت مرکب تغییر یافته است و از نظر معنایی نیز، با توجه به کاربرد آن متفاوت است؛ برای نمونه در جمله



“سراسر آستین کتتش رفته بود و پارگی آن ریش‌ریش شده بود و توی چشم می‌زد.” (نجفی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۹۹-۸۰۰)، در این جمله واژه ریش‌ریش به معنی تارهایی است که بر اثر فرسودگی یا پارگی آویزان باشد. بنابراین معنای ترکیب کاملاً آشکار و شفاف است. اما در جمله “اشک می‌ریخت مثل ابر بهار، من دلم ریش‌ریش می‌شد.” در این جمله واژه ریش‌ریش به معنی مجروح، پاره‌پاره و شرحه‌شرحه است که در بافت معنای استعاری از آن استنباط می‌شود. در این الگو، واژه مکرر ریش‌ریش چه در معنای اصلی و چه در معنای استعاری به مفهوم شدت اشاره می‌کند.

از آنجاکه اینکلاس و زول (۲۰۰۵: ۱۳) براساس رویکرد معنی‌شناسی، معنای برون‌داد را از معنای تصویریگونه تا معنای اصطلاحی و استعاری متغیر می‌دانند، این‌گونه موارد نیز به عنوان تکرارهایی با معنای استعاری و اصطلاحی قابل توجیه است.

در اسم صوت/ نام‌آواها به دلیل ارتباط مستقیم، عینی و تقلیدگونه یک نشانه زبانی و مصداق یا مرجع آن در جهان واقعیت، حاصل تعامل دو اصل تصویرگونی^{۲۷} و بسط معنایی هستند زیرا ساختار این عناصر اغلب از تکرار اصوات طبیعت یا حیوانات ساخته می‌شود (شریفی، ۱۳۸۵: ۱۶۸). در این الگو هر دو جزء به تنهایی فاقد معنی است ولی در مجاورت هم یکی از مفاهیم تکرار را منتقل می‌کنند مانند شُرْشُر و چاوچاو که هر دو جزء بدون معنی هستند، اما کل ترکیب معنادار است و به ترتیب به معنای ‘باران شدید’ و ‘ناله و زاری’ است و کاربرد برخی از واژه‌های مکرر مخصوص سبک محاوره‌ای^{۲۸} و عامیانه زبان فارسی است.^{۲۹}

۴-۱-۲. فرایند تکرار کامل افزوده

در فرایند تکرار کامل افزوده، علاوه بر دو پایه مکرر، تکواژی دستوری در بین دو عنصر خواهر حضور دارد که در جایگاه میان دو پایه یا پس از پایه دوم قرار گرفته است. با توجه به جایگاه این تکواژ دستوری، فرایند تکرار کامل افزوده را می‌توان به انواع میانی و پایانی تقسیم کرد که هر یک از این نوع تکرارها به نوبه خود دارای انواع مختلف با کاربردها و ساختارهای متفاوت هستند.

۴-۱-۱-۲-۱. فرایند تکرار کامل افزوده میانی

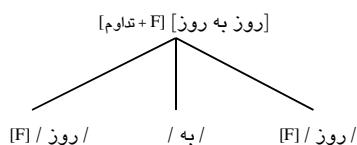
در این فرایند، تکواژ دستوری پس از پایه قرار می‌گیرد و صورت مکرر بعد از آن می‌آید. در فرایند تکرار کامل افزوده میانی با استفاده از حرف‌های اضافهٔ 'به، در، تو، تا، اندر'، واژه‌یست 'و /-0/'، بیناوند 'وا /vâ/ - /-â/' و تکرار پایه، واژه‌های جدید ساخته می‌شود. به نمونه‌هایی از این فرایند توجه کنید: روزبه‌روز، لنگه‌به‌لنگه، خودبه‌خود، گاه‌به‌گاه، رودررو، دست‌در-دست، تودرتو، پی‌درپی، شیرتوشیر، خرتوخر، شاخ‌توشاخ، چشم‌توچشم، گوش‌تاگوش، سر-تاسر، دورتادور، خراب‌اندرخراب، نسل‌اندرنسل، پشت‌اندرپشت، مین(و)مین، های(و)های، فرت(و)فرت، هن(و)هن، چرواچر، شورواشور، رنگ‌وارنگ، جورواجور، تنگاتنگ، یکایک، گوناگون، گرماگرم، گرداگرد (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۶).

معنای حاصل از این الگو می‌تواند تداوم، تداخل، تقابل، شمولیت و فراگیری، توالی، شدت، تنوع، آشفتگی و بی‌نظمی، بیان حالت و توزیع را بیان کند و مقوله‌های اسم، صفت و قید را در بر گیرد. نمونه‌ای از این الگوی تکرار بدین قرار است:

اسم + حرف اضافهٔ 'به' + اسم ← قید

روزبه‌روز، لنگه‌به‌لنگه، دربه‌در

نمونه‌ای از انگارهٔ ساختاری این فرایند در نظریهٔ تکرار صرفی در نمودار آمده است:



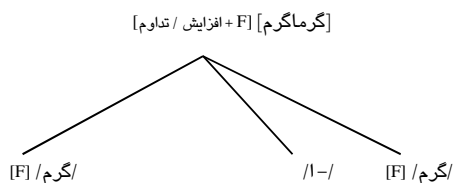
نمودار ۶. انگارهٔ ساختاری تکرار همراه با تکواژ دستوری 'به /be/'

در این انگارهٔ ساختاری برای تکواژ دستوری 'به /be/' جایگاه مستقل در نظر گرفته شده است. زیرا نمی‌توان به یکی از عناصر درون‌داد نسبت داد. در این الگو شکل‌گیری تکرار کامل افزوده میانی، علاوه بر نقض معیار مجاورت، به لحاظ یکسان بودن معنای عناصر در دو طرف تکواژ دستوری مؤید همسانی معنایی در نظریهٔ تکرار صرفی است. لذا رویکرد صرفی، تحلیل



مناسب‌تری از آن به دست می‌دهد.

در مبانی نظری به این موضوع پرداخته شد که در نظریه تکرار صرفی یکی از مواردی که باعث تغییر در ساختار واجی یک یا هر دو عنصر و نقض همسانی واجی می‌شود، وجود تکواژتهی از معنی در تکرار است که معمولاً یا نقش پیونددهنده در میان دو عنصر دارد یا به دلیل رعایت ضرورت واجی موجود در ساخت تکرار که خاص آن زبان است ظاهر می‌شود. نمونه‌ای از این تکواژها که عموماً در ساخت‌های تکرار در زبان فارسی به کار می‌روند تکرار کامل افزوده میانی است؛ با این تفاوت که این تکواژها در فارسی ایجاد معنی می‌کنند و به معنی برون‌داد مفهومی را می‌افزایند و به این ترتیب در تضاد با نظریه تکرار صرفی قرار می‌گیرند. در این الگو نیز از بعضی از واژه‌های مکرر مفهوم اصطلاحی و استعاره‌ای استنباط می‌شود. نمونه‌ای دیگر از این الگوی تکرار را در نمودار ۷ آورده‌ایم:



نمودار ۷. انگاره ساختاری تکرار همراه با بیباوند^۴ - /۱- / a-^۵

۴-۱-۲. فرایند تکرار کامل افزوده پایانی

در این الگوی تکرار، عنصر مکرر بعد از پایه قرار می‌گیرد و برون‌داد به یک تکواژ اشتقاقی ختم می‌شود. پسوندهایی که در ساخت چنین واژه‌هایی استفاده شده‌اند عبارتند از: «-ان، -ک، -کی، -و، -ی، -ه» که به پایه دوم افزوده می‌شوند (شقاقی ۱۳۷۹: ۵۲۶-۵۲۷).

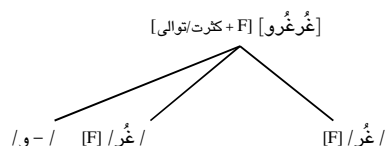
مانند: خوش‌خوشان، غلط‌غلطان، لرزلرزان، خندخندان، نازنازان، روروک، نم‌نمک، جیرجیرک، خوش‌خوشک، نرم‌نرمک، بادبادک، زیرزیرکی، راست‌راستکی، هول‌هولکی، زور-زورکی، غُرغُرو، هاف‌هافو، لوقلوقو، نقونقو، جیغ‌جیغو، خال‌خالی، خط‌خطی، چل‌چلی، کُرکُری، فر-فری، جغجغه، چهچهه، وروره، سرسره، فشفشه. مقوله‌های واژه‌های مکرر که تحت عملکرد این

فرایند قرار می‌گیرند اسم، صفت و قید هستند و برای بیان مفهوم حالت، تصغیر، شدت، کثرت، توالی و غیره به کار می‌روند. نمونه‌ای از این الگو عبارت است از:

اسم + اسم + و ← صفت

غُرغُرُو، نق‌نقُو، جیغ‌جیغُو

به نمونه‌ای از انگاره ساختاری این فرایند توجه کنید:



نمودار ۸ انگاره ساختاری پسوند -و / -u /^۲

در این فرایند هم‌زمان با تکرار پایه، پسوند -و / -u/ به واژه مکرر اضافه شده است که این عنصر دستوری، معنایی را بر واژه مکرر می‌افزاید؛ به عنوان مثال واژه غُر در تکرار کامل نافزوده تبدیل به واژه مکرر غُرغُر می‌شود اما در تکرار کامل افزوده پایانی معنای پسوند -و / -u/ به آن افزوده شده و در معنی صفت فاعلی به کار می‌رود (یعنی آنکه برای اظهار ناخشنودی بسیار غرغر می‌کند). (فرهنگ معین ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۴۰۲).

فرایند تکرار کامل افزوده پایانی علاوه بر اینکه در چارچوب نظریه تکرار صرفی قابل تحلیل است؛ به دلیل اینکه درون‌دادها در مجاورت هم قرار دارند نظریه کپی‌سازی واجی نیز از عهده توصیف آن برمی‌آید.

۳-۱-۴. فرایند تکرار کامل پژواکی

تکرار کامل پژواکی نوعی از فرایند تکرار کامل است که جزء مکرر همیشه هم‌وزن پایه اما بی-معنی است. در زبان فارسی فرایند تکرار کامل پژواکی بر دو نوع است: الف) تغییر همخوان آغازی پایه ب) تغییر واکه(ها)ی پایه (حیدرپور، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

در مبانی نظری به این نکته اشاره شد که هر یک از عناصر درون‌داد و برون‌داد می‌توانند

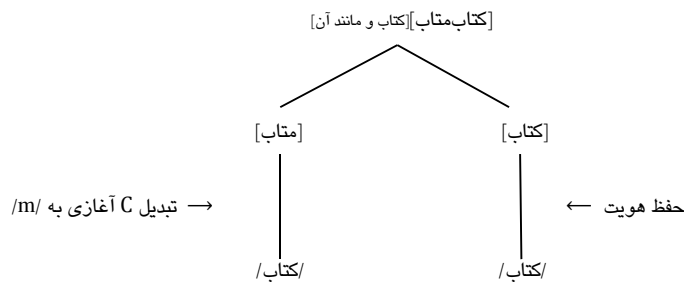


تغییر واجی مخصوص به خود را داشته باشند؛ اینکلاس و زول (۲۰۰۵) تغییرات واجی هر یک از اجزای این عناصر را برای توصیف واج‌شناسی صرف‌بنیاد 'همواجی' می‌نامند.

الف. تغییر همخوان آغازی پایه

در این الگوی تکرار، فقط همخوان آغازی با کلمه پایه تفاوت دارد و وند مکرر یا صورت حاصل از تغییر همخوان آغازی بعد از کلمه پایه می‌آید. مانند: بچه‌مچه، لباس‌مباس، کژمژ، بازی‌مازی، چیزمیز، شلوغ‌پلوغ، شیله‌پیله، تته‌پته. در این داده‌ها همخوان /m/ یا /p/ جانشین همخوان آغازی کلمه پایه می‌شود و سایر اجزا بدون تغییر باقی می‌مانند. در این ساخت، هجا-های درون‌داد و برون‌داد باید از لحاظ تعداد برابر باشند. چنانچه کلمه پایه با /m/ آغاز شود، جزء مکرر الزاماً با /p/ شروع می‌شود مانند: میوه‌پیوه، ماشین‌پاشین، مرغ‌پرغ، میخ‌پیخ. این تنها محدودیت حاکم بر این جزء مکرر است.

انگاره واجی تکرار کامل پژواکی /m/ به شکل زیر ترسیم می‌شود:



نمودار ۹. انگاره واجی تکرار کامل پژواکی /m/

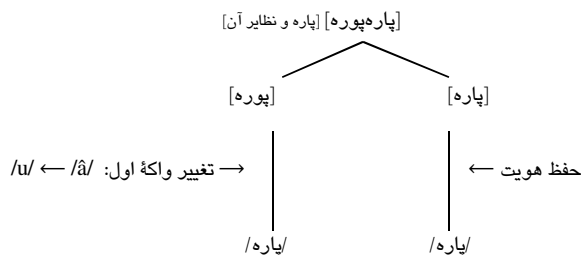
از آنجا که ویژگی مهم نظریه تکرار صرفی، برقراری همسانی معنایی میان خواهرهاست در نمودار (۹) ابتدا دو خواهر به صورت ستاک کامل در درون‌داد انگاره واجی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، شرط همسانی معنایی رعایت می‌شود سپس همواجی‌های مربوط به هر یک از آنها تغییرات لازم را انجام می‌دهد. همان‌طور که در واژه 'کتاب‌متاب' مشاهده می‌کنیم خواهر اول مقید به همواجی حفظ هویت است، اما در خواهر دوم همخوان آغازی تبدیل به /m/ شده است؛ بنابراین به شکل 'متاب' در آمده و در نهایت این نمونه در برون‌داد به صورت 'کتاب‌متاب'

ظاهر شده است. که معنی و مفهوم آن در اسم‌ها، مبین نظایر و مشابه پایه است و در صفت‌ها، تشدید و تأکید مفهوم پایه را تداعی می‌کند.

همان‌گونه که در بخش (۳) به آن اشاره شد، تکرار از دیدگاه کپی‌سازی واجی با یک جزء مکرر شکل می‌گیرد و این جزء مکرر مشخصات عنصر مجاورش را کپی می‌کند. یکی از نظریه‌های موجود در کپی‌سازی واجی، نظریهٔ مطابقت پایه و جزء مکرر است. این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد؛ از این‌رو، تکرار کامل پژواکی از طریق کپی‌سازی واجی نیز قابل تبیین است.

ب. تغییر واکه(ها)ی پایه

نوع دیگری از تکرار کامل پژواکی در نتیجهٔ تغییر در واکه(ها)ی پایه تولید می‌شود و صورت تغییر یافته یا وند مکرر بعد از پایه قرار می‌گیرد. مانند: پاره‌پوره، چاله‌چوله، های-هوی، دالامب‌دولومب، هله‌هوله، خرت‌وخورت، نقّ‌ونوق، دامبول‌دیمبول، قیژوقوژ. انگارهٔ واجی تکرار کامل پژواکی تغییر واکه‌ای را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:



نمودار ۱۰. انگارهٔ واجی تکرار کامل پژواکی تغییر واکه‌ای

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، داده‌هایی از زبان فارسی در سه زیر مقولهٔ فرایند تکرار کامل نوافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی در چارچوب نظریهٔ تکرار صرفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که بر اساس معیارهای چهارگانهٔ اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، تکرار الزاماً کپی‌سازی واجی نیست؛ بلکه استفاده از هر دو سازوکار واجی و صرفی-معنایی لازم است. همچنین مشاهده کردیم که در تکرار کامل نوافزوده نتیجهٔ حاصل، مؤید



فرضیه این پژوهش در شکل‌گیری تکرار در چارچوب این نظریه است. فقط در برخی موارد معنای واژه مکرر، ربطی به معنای عناصر تکرار ندارد و معنای کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده است. مانند (ریش‌ریش) که علاوه بر معنای آشکار و شفاف در بافت، معنای استعاری نیز از آن استنباط می‌شود؛ البته، علی‌رغم اینکه واژه مکرر ریش‌ریش در بافت در معنای شفاف و غیرشفاف ظاهر شده است ولی این واژه مکرر در هر دو صورت مفهوم شدت را تداعی می‌کند؛ اما از آن‌جا که اینکلاس و زول (۲۰۰۵) براساس رویکرد معنی‌شناسی، معنای برون‌داد را از معنای تصویرگونه تا معنای استعاری و اصطلاحی متغیر می‌داند، از این‌رو، این‌گونه موارد به عنوان تکرارهایی با معنای استعاری و اصطلاحی، توجیه‌پذیر است.

در رویکرد تکرار صرفی وجود تکواژ دستوری، به عنوان ناقص همسانی واجی در رویکرد کپی‌سازی واجی قلمداد می‌شود، ولی به لحاظ یکسان بودن معنای عناصر در دو طرف تکواژ دستوری، مؤید همسانی معنایی در نظریه تکرار صرفی است. لذا رویکرد صرفی، تحلیل مناسب‌تری از آن به‌دست می‌دهد.

با توجه به اینکه در رویکرد تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) وجود تکواژ تهی از معنی سبب تغییر ساختار واجی و نقض همسانی واجی می‌شود، اما نمونه‌ای از این موارد در ساخت-های تکرار کامل افزوده میانی در زبان فارسی یافت می‌شود با این تفاوت که این تکواژها در فارسی دارای معنی هستند و به معنی برون‌داد مفهومی را می‌افزایند، به این ترتیب در تضاد با نظریه تکرار صرفی قرار می‌گیرند.

فرایند تکرار کامل افزوده پایانی نیز به دلیل همجواری درون‌دادها در هر دو سازوکار واجی و صرفی-معنایی قابل توصیف و تحلیل است.

در فرایند تکرار کامل پژوهشی هر چند عنصر مکرر فاقد معنی است، اما کل ساخت به مفهوم «نظایر آن» تعبیر می‌شود بنابراین، از نظر معنایی با عنصر پایه همسان است. از این‌رو، بر مبنای ویژگی‌های صرفی-معنایی توجیه‌پذیر است. یکی از نظریه‌های موجود در کپی‌سازی واجی، نظریه مطابقت پایه و جزء مکرر است؛ این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد، از این‌رو تکرار کامل پژوهشی از طریق کپی‌سازی واجی نیز تبیین می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که انواع فرایند تکرار کامل در چارچوب نظریه تکرار صرفی قابل توصیف است و این در حالی است که فقط تکرار جزئی پیشوندی و پسوندی با استفاده از رویکرد کپی‌سازی واجی قابل

تحلیل است؛ براین اساس، نظریه تکرار صرفی کارآمدتر از نظریه کپی‌سازی واجی است. براساس شواهد حاصل از این پژوهش، این بررسی به ما کمک می‌کند تا به دیدی جهان-شمول در مورد فرایند تکرار دست یابیم و از این رهگذر از دیدگاه رده‌شناسی زبان، زبان‌های دنیا را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کنیم.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Phonological Copying Theory (PCT)
2. partial reduplication
3. total reduplication
4. S. Inkelas & C. Zoll
5. echo- reduplication
6. Morphological Doubling Theory (MDT)
7. A . Marantz
8. empty morph
9. Base Reduplicant Correspondence Theory (BRCT)
10. J. McCarthy & A. Prince
11. mora
12. P. H. Mathews
13. A. Spencer
14. morphological phonology
15. cophonology
16. proximity
17. phonological segments
18. linker
19. Hardman
20. Jaqura
21. Alderete et al.
22. melodic overwriting
23. Vaux
24. tier replacement
25. Amele
26. Roberts
27. iconicity
28. colloquial

۲۹. لازم به ذکر است، تکرار کاملی که از پیوستن دو جزء بی‌معنی حاصل می‌شود، مانند: هیروویر، داداردودور و غیره یک مقوله مجزاست که پژوهش مستقلی را طلب می‌کند که باید ریشه‌شناسی شود

تا معلوم شود که از کدام زبان یا گویش وارد زبان فارسی شده و حاصل معنی چگونه به دست آمده است. نگارندگان در این پژوهش به آن نپرداخته‌اند و در آینده به آن اهتمام خواهند ورزید.

۷. منابع

- امینی، رضا (۱۳۹۳). «دوگان‌سازی در زبان ترکی» *دو ماهنامه جستارهای زبانی*. ده. ش ۳. صص ۲۷-۵۴.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.
- حیدرپور بیدگلی، تهمینه (۱۳۹۰). *فرایند تکرار در زبان فارسی از دیدگاه نظریه بهینگی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- خان‌جان، علی‌رضا و بتول علی‌نژاد (۱۳۸۹). «تحلیلی بر فرایند مضاعف‌سازی کامل در زبان فارسی بر مبنای نظریه دوگان‌سازی ساخت‌واژی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. س ششم. ش اول. صص ۱۱۸-۱۳۶.
- سلندری رابری، مرادعلی؛ عادل رفیعی و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۵). «تکرار به مثابه دوگان‌سازی صرفی: شواهدی از زبان فارسی». *مجله جستارهای زبانی*. س هفتم. ش ۳۳. صص ۹۱-۱۱۸.
- شریفی‌مقدم، آزاده (۱۳۸۵). *پژوهشی پیرامون تصویرگونگی در واژگان و عناصر صرفی-نحوی زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۹). «فرایند تکرار در زبان فارسی». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ج اول. صص ۵۱۹-۵۳۳.
- ——— و تهمینه حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰). «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر فارسی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س سوم. ش اول. صص ۴۵-۶۶.
- غفاری، حامد (۱۳۹۰). *فرایند تکرار در زبان ترکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. چ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلفام، ارسلان و غلام‌رضا محیی‌الدین قمشه‌ای (۱۳۹۱). «تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها در زبان فارسی: طبقه‌بندی معنایی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. د. ش ۱. صص ۱۰۳-۱۰۲.

۱۷۲

- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹). *دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی*. (چاپ نهم: ۱۳۵۵). تهران: مؤسسه شرقی، صص ۲۲-۲۳.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲). *دستور کاربردی زبان فارسی*. تهران: رهنما.
- همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۳۹). *دستور جامع زبان فارسی*. چ دوم. تهران: علمی.
- Alderete, J; J. Beckman, L. Benua, A. Gnanadesikan, J. McCarthy, & S. Urbanczyk (1999). "Reduplication with fixed segmentism". *Linguistic Inquiry*. 30: 64- 327.
- Ghaniabadi, S. (2005). "M/p-echo reduplication in colloquial Persian: an OT analysis". *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology: Leipzig, Germany (17-19 June 2005).
-; J. Ghomeshi & N.Sadat-Tehrani (2006). "Reduplication in Persian: A morphological doubling approach" in Claire Gurski & Milica Radisic (eds.), *proceedings of the 2006 annual Conference of Canadian linguistic Association, 1-15*.
- Hardman, M. J. (2000). *Jaqaru. Languages of the world/materials 183*. Munich: Lincom Europa.
- Inkelas, S. & C. Zoll (2005). *Reduplication: Doubling in Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2006). "Reduplication", in Keith Brown (ed. in chief), *Encyclopedia of languages and Linguistics*. 2nd ed., Vol. 10. Oxford: Elsevier, 417-419.
- (2008). "The dual theory of reduplication". *Linguistics*. 46: 351-401.
- Marantz, A. (1982). "Reduplication". *Linguistic Inquiry*. 13,483-545.
- Mathews, P.H. (1991). *Morphology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCarthy, J. & A. Prince. (1986). *Prosodic morphology*. Unpublished ms, University of Massachusetts, Amherst and Brandeis University.
- (1995). *Faithfulness and reduplicative identity*. In Jill Beckman, Laura Dickey, and Suzanne Urbanczyk (eds.), *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18: Papers in Optimality Theory*. Amherst, MA: GLSA, 249-384.
- Roberts, J. (1991). "Reduplication in Amele". *Papers in Papuan Linguistics*. 1: 46-115.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory : An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford : Blackwell.
- Vaux, B. (1998). *The Phonology of Armenian*. Oxford: Clarendon Press.



The Study of Total Reduplication Process in Persian Language: A Research Based on Morphological Doubling Theory

Abstract

Reduplication is a morphological process, which has always been one of the controversial issues in linguistics, and various studies with respect to 'different languages and approaches' have been done in this field. The purpose of this research is to study total reduplication process in Persian within Inkelas and Zoll's Morphological Doubling Theory (2005), and to test which of the following two theories is more effective: Morphological Doubling Theory (MDT) or Phonological Copying Theory (PCT), and whether the formation of total reduplication process within MDT can be justified and explained or not. The results suggest that all kinds of total reduplication process in Persian can be justified and explained within MDT with respect to their specific patterns and interpretation. By contrast, only partial reduplication prefixing and suffixing, can be analyzed through PCT. We propose, MDT is far more effective than PCT.

Keywords: total reduplication, Morphological Doubling Theory, Phonological Copying Theory, partial reduplication, Persian language.